

# کیمشان

**دشمنان دین و ایمان تظاهر به محبت و حقوق بشر و صلح و مانند آنها می‌کنند؛ زیرا توان تقابل با خدا و مومنان ندارند؛ اما اگر روزی دسترسی پیدا کنند، چهره دژخیمان تاریخ را با اعمال شنیع و ننگین خود روسپید می‌کنند و جنایتی را علیه زن و کودکان و پیر و جوان می‌کنند که گوش توان شنیدن و چشم توان دیدن ندارد؛ زیرا درنده خوتر از آنها نمی‌توان یافت؛ چرا که هیچ اعتقادی به معاد و حسابرسی قیامت نداشته و پایبند هیچ اصول اخلاقی جز اصالت لذت نیستند؛ پس از خشسونت آنچه را در توان دارند، اعمال می‌کنند تا دلپایشان خنک شود که هرگز نمی‌شود؛ زیرا خشسونت را همچون شهسوت، پایانی نیست؛ چرا که خشونت و شهسوت چون آب شور دریا می‌ماند که هر چه تشنه از آن می‌نوشد، تشنه‌تر می‌شود. خوی خشونت و شهوت در دشمنان نسبت به اهل ایمان این‌گونه پایانی ندارد.**

**نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآن، ضمن بیان ویژگی‌های دشمنان دژخیم و سطلح بی‌پایان شهوت و خشسونت کافران و منافقان، درباره هشدارهای قرآن نسبت به دشمنان کمین کرده و آمادگی آنان برای ضربه زدن به مومنان سخن گفته است.**

# هشدار قرآن دربارۀ دشمنان در کمین نشسته

**کافران و مسئله اصالت لذت در شیوت و خشونت** کافران و منافقان جز به دنیا و مادیات آن هیچ اعتقادی نداشتند و مرگ را فوت و نیستی می‌دانند، نه وفات و توفی. بنابراین، هیچ اعتقادی به بقای نفس و روح انسانی و عالم برزخ و آخرت ندارند و اگر خدایی را نیز قبول داشته باشند، آخرت و محاسبه در آخرت

«مثله» و تکه تکه می‌کنند؛ چنان‌که بارها دیده شده که چگونه افرادی خویشان یا مردمان دیگر را با اره و ابزارهای دیگر مِله و تکه تکه کرده‌اند تا شهوت خشونت خویش را ارضا کنند و لذت ببرند. جنایاتی که سربازان و افسران دولت‌های استکباری یا مردم عراق و افغانستان انجام داده‌اند، تنها گوشه‌ای از ارضای خشونت است.

**از آنجا که خطر دشمنان داخلی یعنی منافقان بیش‌تر از خطر خارجی یعنی کافران است، باید همواره مراقب منافقان فتنه‌گری بود که از درون مرزها در خدمت دشمنان هستند. از نظر قرآن، فتنه‌گری منافقان داخلی از جنگ و هجوم دشمن خارجی خطرناک‌تر است؛ زیرا اینان از درون خانه به مومنان حمله می‌کنند و آسیب جدی و بدتری بر بنیان امت و بنیادها و نهادهای نظام سیاسی وارد می‌سازند و به فتنه‌گری می‌پردازند.**

را باور ندارند؛ بلکه آن را امری عجیب و بعید می‌شمارند(ق. ۱۲ تا ۳)

بی‌گمان کسی که به سرپروردگاری خدا و آخرت و حسابرسی آن اعتقادی ندارد، همه معنا و مفهوم زندگی را در همین عالم دنیا می‌جوید و برای آن تلاش می‌کند. چنین شخصی براساس فلسفه زندگی و هستی‌شناسی، تلاش می‌کند تا هر آنچه برایش لذت‌بخش است را فراهم آورد و برای به دست آوردن آن کم نگذارد.

از آنجا که مهم‌ترین قوای نفسانی مربوط به دنیا و مادیات، غضب و شهوت است، کافران در **مطلب حاضر نویسنده به برخی از آرایه‌های زمین که در قرآن بیان شده اشاره کرده و فلسفه یکی از کارکردهای آراستگی یعنی آزمون‌دان را تشریح کرده است.**

انسان به سبب گرایش به کمال، به زیبایی و آراستگی تمایل ذاتی و طبیعی دارد. فطرت کمال خواه انسان موجب می‌شود تا به طور طبیعی به هر آنچه که زیباتر گرایش یابد و در صورتی که به نظر وی امری را می‌توان به گونه‌ای آراست کرد تا زیبایی و کمالتش آشکارتر شود به چنین کاری اقدام می‌کند. آراستگی لزوماً به معنای این نیست که چیزی دارای نقص است و کوشش می‌شود تا با آراستن‌این‌نقص پوشانده شود، بلکه گاه آراستگی برای جلوه‌گری بیشتر و ایجاد زیبایی افزون‌تر صورت می‌گیرد. بنابراین آراستن‌هم می‌تواند پوششی برای نقص باشد و هم در راستای افزایش زیبایی انجام پذیرد.

قرآن بیسان می‌کند که آن‌گاه که خداوند جهان را آفرید با زیبایی به آراستن آن اقدام کرد که از جمله آن ابزارها ستارگان است تا در چشمان مردمان آراسته و زیبا جلوه کند؛ ولقد جعلنا فی السماء بروجاً و زینتاً للنظرین؛ ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم- و آن را در چشمان بینندگانش آراستیم(حجر آیه ۱۶) و در آیه ۱۲ سوره فصلت و آیه ۶ سوره صافات ستارگان و چراغ‌های آن را عامل زینت آسمان دنیا برمی‌شمارد.

آیه ۲۴ و ۲۵ از زینت و ابزار آراستن زمین قرار دادیونس

و (۲۴) و آن‌ها نیز این مظاهر طبیعی زمین را زینت و ابزار آراستگی آن می‌دانند، بلکه گاه آراستگی انا جعلنا ما علی الارض زینة لِّها لئلاَّ یملوهم ایهم احسن معلما ما آنچه در زمین است زینت زمین قرار دادیم تا آن آزمون، درآییم که چه کسی زیکوتر عمل می‌کند(کهف آیه ۷)

در این آیه سخن از این است که زمین با

## معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

لیبخت و محبت ظاهری دشمنان دلدلوش دارند؛ زیرا آنان اگر به شما لیبختی می‌زنند و محبت می‌ورزند، از این جهت است که توان مقابله وتقابل با شما را ندارند، بنابراین به شیوه مکر و کید و غرور و فریب رو آورده‌اند تا این‌گونه شما را بفریبند و قدرت شما را محاسبه کرده و بستری را برای تضعیف قدرت و اقتدار شما بیابند و در زمان مناسب به شما ضربه بزنند. آنان با محبت دروغین به شما، می‌خواهند در میان شما نفوذ کرده و از نزدیک اطلاعات کافی از نقاط قوت و ضعف شما به دست آورند. (ممتحنه، آیات ۱ و ۲؛ آل‌عمران، آیه ۱۱۸)



دشمن اگر توان و قدرت مقابله با شما را پیدا کند، دمی درنگ نمی‌کند. بنابراین، آنان همواره به شما به عنوان «دشمن» می‌نگرند و هرگز دست دوستی واقعی به شما نمی‌دهند؛ از همین رو هر گاه فرصتی بیابند با انواع اعمال خرابکارانه و تبلیغات رسانه‌ای سنگین و زبان تند و تیز خویش دشمنی را آشکار می‌کنند تا شما به ملت و آیین کفرشان تگروید، دست از این اعمال و رفتار بر نمی‌دارند.(ممتحنه، آیه ۲؛ آل‌عمران، آیه ۱۱۸)

البته دشمن ممکن است از خویشان و دوستان بلکه فرزندان شما باشند؛ زیرا کفر و ایمان رمز جغرافیایی نمی‌شاند و جغرافیای آن دل‌های افراد است.(ممتحنه، آیه ۳) از این رو کافران را می‌توانید در میان خودتان نیز بیابید که گاه به شکل منافقان با شما زندگی می‌کنند تا جایی که ظاهر با شما و در باطن تابعیت کرد و دشمنان را دارند و در خدمت اهداف و مقاصد پلید دشمن هستند و نه تنها جاسوسی و جبرسانی می‌کنند، بلکه با اراجیف خبری (شایعات دروغین) لرزه در میان امت مسلمان می‌اندازند تا از مواضع حق خویش عقب‌نشینی کنند. دشمنان در شرایطی که قدرت سرکوب مومنان را ندارند واز اقتدار آنان می‌ترسند، کینه و بغض خویش را فرو می‌خورند و بیان نمی‌کنند، اما همین افراد وقتی دقت در گفتار و رفتارشان شود، معلوم می‌شود که تا چه‌اندازه نسبت به مومنان دشمنی دارند. از همین رو وقتی مومنان به مشکلی بر می‌خورند و در رنج و گرفتاری می‌افتند، از لایه‌لای سخنان و

رفتارهای آنان می‌توان بغض و کینه و نفرت را مشاهده کرد؛ زیرا نمی‌توانند بغض خود را نسبت به مومنان پنهان کند؛ البته آنچه از نفرت و بغض آشکار می‌شود، خیلی کمتر آن چیزی است که در دلها دارند؛ زیرا بغض و نفرتشان چنان بزرگ است که دوست دارند سر به تن مومنان نباشد. البته خدا هر از گاهی کاری می‌کند که دشمنان خودشان را رسوا کنند و نتوانند بغض و کینه خویش را پنهان دارند و این‌گونه مومنان را بفریبند و کارشان را پیش ببرند(آل‌عمران، آیه ۱۱۸) غیظ و خشم آنان نسبت به مومنان تا اندازه‌ای است که از شدت این غیظ می‌خواهند بمیرند؛

از آنجا که خطر دشمنان داخلی یعنی منافقان بیشتر از خطر خارجی یعنی کافران است، باید همواره مراقب منافقان فتنه‌گری بود که از درون مرزها در خدمت دشمنان هستند. از نظر قرآن، فتنه‌گری منافقان داخلی از جنگ و هجوم دشمن خارجی خطرناک‌تر است؛ زیرا اینان از درون خانه به مومنان حمله می‌کنند و آسیب جدی و بدتری بر بنیان امت و بنیادها و نهادهای نظام سیاسی وارد می‌سازند و به فتنه‌گری می‌پردازند. از نظر قرآن فتنه گران هر جایی شرایط فتنه فراهم باشد آنجا حضور می‌یابند و از نقاط ضعف برای ضربه زدن بهره می‌گیرند. اینان در هر زمانی آماده‌اند که درون فتنه‌ای قرار گیرند و آشوبی بر پا کنند. پس نمی‌توان نسبت به آنان اطمینان خاطر داشت، بلکه امنیت زمانی کافی می‌شود با اینان کشته شوند یا از کشور اخراج گردند. لذا هر گاه دست از فتنه و جنگ و آشوب بر نداشتند، با آنان بجنگید و آنان را به قتل برسانید و اگر تسلیم شدند بپذیرید ولی مراقب آنان باشید تا دوباره علیه شما دست به فتنه و آشوب زنند.(نساء، آیه ۹۱) براساس تعالیم قرآن بسیاری از اهل کتاب از مسیحی و یهودی علیه مومنان برنامه دارند ولی لذیت و آزار را می‌رسانند. پس با آنان نیز باید جنگید و صلح نکرد؛ زیرا خدا برای فاسقان

مبتنی بر عقلائیت رشدی و هدایت‌ترین راه سعادت را دارند؛ چنان‌که فرعون مدعی بود(غافر، آیه ۲۹)، وقتی پای کار می‌رسند و حق ضد اصول عقلاتی و رشد و اخلاق و قانون عمل می‌کنند که حیوانات جنگل رو سبید می‌شوند؛ زیرا اینان همانند فرعون از هیچ خشونتی اهل نمی‌ورزند و هر بلایی که ممکن است بر سر مومنان و مردمان از زن و کودک می‌آورند؛ و فرقی میان خودی و غیرخودی نمی‌شناسند. از همین رو مستکبران همان بلایی که بر سر مردم عراق و افغانستان می‌آورند، بر سر حتی مردم آزاده و عدالتخواه و مسلمانان نیز می‌آورند. اینان نیز همچون فرعون دست و پای مردمان را با شکنجه قطع می‌کنند و مسردم را بر دار می‌آویزند و میخ و آهن در تن و بدن آنان فرو می‌کنند با اشکال گوناگون شکنجه زجرش می‌کنند(طه، آیه ۷۱؛ شعراء، آیه ۴۹)

بنابراین مومنان باید مراقب باشند تا دردم مکر دشمنان نیفتند و به ظاهر حقوق بشری و صلح خواهی و عدالت گرایان آنان و لیبختشان دل خوش نکنند؛ زیرا آنان هدفی جز دستپاشی و سلطه بر شما ندارند تا هر بلایی که دلشان خواست بر سر شما بیابوند(آل‌عمران، آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ ممتحنه، آیات ۱ و ۲) مومنان می‌دانند که دشمنان با بهره‌گیری از هر مکر و کید و ابزاری که دارند نمی‌توانند مومنان را نیست و نابود کنند؛ زیرا خدا داخلی و خارجی نیست و نابود نمی‌سیرغ نه همواره به آنان است و سنت الهی علیه مومنان بر کافران ونیز بهره مندی از امدهاهای غیبی است. (انفال، آیات ۵۷ تا ۶۲)

انسان باید هوشیار باشد که این زینت‌ها او را از هدف اصلی که همان یاد خداست غافل کند.

قرآن تبیین می‌کند که چگونه شیطان (نمل آیه ۲۲ تا ۲۴) با تزئین اعمال باطل و زینت انسان‌ها (انعام آیه ۴۳) و با حتی زینت‌های پاک و پاکیزه و ایجاد انگیزه اسراف (اعراف آیه ۳۱) آنان را از خداوند دور می‌سازد.

هوای نفس انسان نیز می‌تواند موجب شود تا وی از خدا غافل گردد و به سوی شیطان متمایل شود و مومنان غمته‌های خداداد و زینت‌های الهی که برای انسان آفریده شده است وی را از خدا دور سازد(یوسف آیه ۱۸ و طه آیه ۹۶)

شیطان که دشمن سوگند خورده بشریت است می‌کوشد تا ب تبادیل گفتار طاهرا زینا و آراسته، مردمان را فریب دهد(انعام آیه ۱۱۲) و دوری از آموزه‌های قرآنی را زینا جلوه دهد(فتح آیه ۱۱ و ۱۲) چنان‌که خورشیدپرستی به جای خداپرستی (نمل آیه ۲۲ تا ۲۴) فرزندکشی برای پشنان و خدایان دروغین (انعام آیه ۱۳۷) را در چشمان مردمان زینا و آراسته بنمایاند و این‌گونه آنان را از خدا که خالق این زیبایی‌ها و کمالات است دور سازد.

برای رهایی از آراستگی دروغین شیطان و هوای نفس و نیز بهره مندی از زیبایی‌های واقعی و آراستگی راستین، یادکرد خداوند بهترین روش است که قرآن بر این تأکید می‌ورزد. انسان باید از آراستگی برای رسیدن به کمال بهره مند شود و از اینکه در دام آراستگی دروغین شیطان و یا اسراف و زیاده روی در آن بیفتد به خدا پناه برد. آراستگی، حق انسان و آراستگی حقیقی، کمال آدمی است و آن عبرت است از هر چیزی که در دنیا و آخرت موجب عیب و عار برای انسان نشود بلکه وی را به خدا و کمالات واقعی نزدیک سازد. بنابراین استفاده مومنان از زینت‌های خدادادی امری نه تنها پسندیده در بینش و نگرش قرآن است بلکه در آیه ۳۲ سوره اعراف آمده است که آراستگی برای رسیدن به خدا و حق می‌داند. امرو زیبا دل می‌بندد و در وی این امور خداوند را نمی‌بیند و او را از یاد می‌برد. کسانی که در جست‌وجوی کمال واقعی هستند باید در دنیا از ابزارهای آراستگی به مانده؛ به این معنا که این ابزارها هر چند که برای بهره مندی انسان در این دنیا آفریده شده است ولی همین امور می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین و بدی مهم‌ترین ابزار آراست قرآن گیرد و این‌جاست که

صفحه ۷

یکشنبه ۶ آذر ۱۴۰۱

۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ - شماره ۳۳۱۷۸



### چراغ راه

### محبوب‌ترین عمل

قال الامام السجاد(ع): «**و ما تجرعت جرعة احب الی من جرعة غیظ لا اکافی بها صاحبها.**»

امام سجاد(ع) فرمود: من هیچ جرعه‌ای را نیاشامیدم و فرو ندادم که نزد من محبوب‌تر از آن جرعه خشمی باشد که به سبب آن دیگری را تلافی نکردم.<sup>(۱)</sup>

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۹

### حکایت خوبان

### آثار کنترل و رها کردن خشم

امام علی(ع) می‌فرماید: سخت‌ترین دشمن انسان غضب و هوای نفس او است، هر کسی بتواند این دو را مهار کند، درجه او بلند مرتبه می‌شود و به آخرین مرحله کمال می‌رسد.<sup>(۱)</sup> در حدیث دیگری آن حضرت می‌فرماید: غضب آتش بر آفروخته‌ای است که هر کس آن را فرونشاند، آتش را خاموش کرده و هر کس جلوی آن را رها کند، نخستین کسی است که به آن آتش می‌سوزد.<sup>(۲)</sup> و بالاخره امام صادق(ع) در یک جمله کوتاه غضب را کلید تمام بدی‌ها و شرور می‌داند.<sup>(۳)</sup>

۱- شرح غرالحکم، ج ۲، ص ۴۵۴، ح ۳۲۶۹
۲- همان، ص ۴۷، ح ۱۷۸۷
۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۳

### پرسش و پاسخ

### کنترل خشم و راهکارهای تحقق آن

**پرسش:**
تعبیر «والکاظمین الغیظ» که در آموزه‌های وحیانی اسلام از آن به عنوان یکی از کمالات انسان‌های متعالی نام برده شده چیست و راهکارهای تحقق آن در تعاملات اجتماعی انسان چگونه است؟

**پاسخ:**

##### تعریف غضب

غضب عبارت است از حالتی که نفس انسان پیدا می‌کند، و می‌خواهد روح غضبناک از بدن خارج شود و بر دیگری غلبه پیدا کند. گویی روح می‌خواهد از کالبد بدن بیرون بیاید و طرف مقابل را بکوبد.

##### تعریف کظم غیظ

ماده کظم به معنای قفل زدن است، و اگر گفته شود: «کظم‌الباب» یعنی درب را قفل زد.

کظم غیظ آن است که وقتی انسان خشمگین می‌شود و درونش آفروخته می‌گردد، جلوی عملکرد خشم را بگیرد و نگذارد اثر آن به بیرون تجاوز کند. انسانی که هنوز ساخته نشده و به صفات انسانی آراسته نگردیده است با حادثه‌ای که از نظر انسانی نباید ناراحت و خشمگین شود، در درون ناراحت می‌شود. اگر انسان خودنگهدار باشد و نگذارد این ناراحتی و خشم به بیرون نفوذ کند، و در رابطه با خشم خود مرتکب عملی چه از نظر گفتار و چه از نظر کردار نشود، به این حالت خودداری و «کظم غیظ» می‌گویند. البته باید توجه داشت که کظم غیظ در جایی است که انسان می‌تواند خشمش را اعمال کند و بر طرف مقابل غلبه نماید، اما از خشم خود جلوگیری می‌کند و به تعبیر بسیار ساده، ترمزی روی حالت نفسانی خشم می‌زند که در بیرون بروز نکند، و نتواند اعضا و جوارح را در کنترل خود بگیرد، که این ترمز همان کظم غیظ است.

##### الف) آثار دنیوی

۱- **امتحان نفس الهی:** در روایات داریم که کظم غیظ یکی از مواد امتحانی انسان در این عالم است. یعنی انسانی که مدعی است من معتقد به مبدأ و معاد هستم، یکی از مواد امتحانی بسیار سخت او همین کظم غیظ است که اگر انسان خوددار بود از اینکه غضبش از اندرونش به بیرون تراوش نکند، در ادعایش راستگو است، در غیر این صورت به معنای واقعی انسان الهی و مکتبی نیست. امام صادق(ع) فرمود: چه خوب جرعه‌ای است خشم که انسان آن را بپاشد و بادش بزرگ برای کسی است که بلای بزرگی را تحمل کند.(الکافی، ج ۲، ص ۱۰۹)
۲- **عزت و سربلندی دنیوی:** برخلاف آنچه که عموماً تصور می‌شود، انسان با فرونشاندن خشم ذلیل و خوار می‌شود، در روایت آمده است که انسان با کظم غیظ عزیز و سربلند می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: هیچ بنده‌ای نیست که خشمش را فرونشاند، مگر اینکه خداوند عزت او را در دنیا و در آخرت افزون خواهد کرد. (همان، ج ۲، ص ۱۱۰)

۳- **جلوگیری از خسارت‌های مادی و معنوی:** از آنجا که انسان خشمگین می‌غضبناک، رفتارش غیرعقلایی خواهد بود و موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیری در ابعاد مادی و معنوی می‌گردد که در نهایت هم بشمیانی را به‌دنبال خواهد داشت بنابراین کظم غیظ می‌تواند بسیاری از این خسارت‌ها و لطمات را از بین ببرد.
**ب) آثار اخروی**

۱- **نجات از اضطراب در قیامت:** انسانی که در دنیا خشم خود را فروبرده، خداوند قلب او را در روز قیامت پر از امن و ایمان می‌کند. امام باقر(ع) فرمود: کسی که از خشمش خودداری کند و حال اینکه می‌تواند آن خشم را اعمال کند خداوند روز قیامت قلب او را از امن و ایمان پر می‌کند.(الکافی، ج ۲، ص ۱۱۰)
۲- **رضایت از خداوند در قیامت:** امام صادق(ع) می‌فرماید: کسی که خشمش را فرونشاند که اگر می‌خواست می‌توانست آن را اعمال کند و بیرون بریزد، خداوند در روز قیامت دل و قلب او را از رضایت خود پر می‌کند.(همان). چه چیزی بالاتر از اینکه انسان در قیامت به جایی برسد که قلبش مملو از رضای حق باشد؟

##### راهکار تحقق کظم غیظ

روایتی از پیامبر اکرم(صل نقل شده که فرمود: «لما العلم بالعلم» دانش و علم به سبب آموختن است و «لما العلم بالعلم» و صفت پسندیده انسانی حلم، و مز احتدالی است که علم حاصل می‌شود که تعلم همان کظم غیظ است.(نهج‌البلاغه، ص ۳۴۴) بنابراین راهکار اول شناخت آثار و فواید دنیوی و اخروی کظم غیظ است و راهکار دوم که جنبه عملی بیش از حد مطرح می‌شود که هر دو جهت باطل و مردود است.<sup>(۱)</sup>



### سلوک عارفانه

### حد اعتدال غضب، ملکه شجاعت است

ما چطور متوجه می‌شویم که خشممان به حد اعتدالی و شجاعت است یا خیر؟ معیار در اینجا حق و باطل است. مؤمن از مرز حق تجاوز نمی‌کند، حد اعتدالی و مرز اعتدالی حق است که اگر از آن تجاوز کرد، دیگر ملکه شجاعت به وجود نمی‌آید و در صورت افراط حالت تهور و بی‌باکی غیر عاقلانه و در صورت تفریط حالت جبن و ترس بیش از حد مطرح می‌شود که هر دو جهت باطل و مردود است.<sup>(۱)</sup>

۱- اخلاق ربانی، ایاتلله شیخ مجتبی تهرانی، ج ۳، ص ۱۶۵